

جو درای کسی است که دلش از دنیا نبرد و باشت و بد کند خدای
 چهرت قبلش نکند که چیت دنیا اگر در هم دلی و کرد و
 اندیشه او خیر می باشد و حق سبحانه و تعالی را پر کاهی
 قدر و دی نزد حق سبحی نه و تعالی چیک از کافران و منافقان
 دم آبی ندی این وضع و بران ساحت بی خوری و بی
 اعتباری دنیا نیست حضرت حق جل و علا که گفته اند
 این جهان هر حال است لکن آن اندوخته را نه از این
 این نه از این زند خدای و آن مری را بی زند خدای
 مال جهان بیای تنه و این دلیله و باید زایل حال
 بر خاک رنجه و خوش خایمان
 اهل کمال در دوزخ و در جهنم اند که ویدم بی است افت
 بدان ای طالب بهشت مندم که می نه و تعالی دنیا را بشناخته
 تبه کرده اند که تری و تازگی او در سر و دست و اندک
 فرستی

نرستی نر دو شود و نیست شود
 بشیر چشم فکر از غرر تافز
 اویت قلد و هر چه است
 مؤمن باید که در کار ما مینا حال باشد چرا که بزرگتر گفته اند
 وسط را بزرگتر ملک است با
 باید که دیده های خود را از دیدن نامحرم نگاه
 زیرا که نظر پیست است این عیافت بن میرسد از نظر
 توبه تملک میرسد شیخ شبل قدس سره میگوید که پوشیده
 سر از حرم و دیده دل از ناسوا الله تا و امان باشند
 پوشیده که اگر خواجگان طاقس الله و حرم خود را از
 کسی در وی اندوی باشند از بوی جمعیت و حضور
 باشد و موت خزان و اندوه طایرست و باشند
 در عالم ارواح و در آن نیست و در عالم ارواح آن نیست